

مروری بر یک گزارش فراموش شده و ۱۲۴ ساله درباره توسعه پزشکی در مشهد عصر قاجار

دیدن با چشم پزشکی نوین



تصویری از یک چشم پزشک قدیمی در دوره قاجار

- آغاز چشم‌پزشکی نوین در ایران

آغاز چشم‌پزشکی نوین در ایران و به تبع آن، در شهر مشهد با تاریخ فعالیت مدرسه دارالفنون و تدریس رشته طب در نخستین دانشگاه مدرن ایران، پیوندی ناگسستنی دارد. پزشکان توانمندی مانند «یوهان لوییِس شلیمر» به تدریس فنون نوین چشم‌پزشکی و توسعه روش‌های بهداشت عمومی برای جلوگیری از شیوع بیماری‌های چشمی پرداختند و طبای حاذقی را با دانش نوین در ایران تربیت کردند و این، یک آغاز مؤثر برای تغییر شرایط محسوب می‌شد.

«میرزایی‌بی‌خان لسان‌الحکما» یکی از نخستین طب‌بای تربیت یافته در دارالفنون بود که به چشم‌پزشکی روی خوش نشان داد و نخستین چشم‌پزشک تربیت شده با دانش نوین در ایران لقب گرفت. او بعدها در توسعه این فن کوشش بسیار کرد و به پایه‌گذاری و گسترش آن در جامعه پزشکی کشور پرداخت و پدر چشم‌پزشکی نوین ایران لقب گرفت. در این بین، تعدادی از طب‌بای علاقه‌مند به این تخصص، برای تکمیل دانش راهی بلاد فرنگ شدند و از این طریق نیز بخش مهمی از دانش چشم‌پزشکی نوین به ایران انتقال پیدا کرد.

- یک گزارش دست اول

دقیقا نمی‌دانیم که دانش نوین چشم‌پزشکی چه زمانی به مشهد رسید. این شهر ۱۲۰۰ ساله نیز، مانند دیگر شهرهای ایران، از دیرباز کحالانی داشت که به فن کحالی و درمان امراض چشمی اشتغال داشتند، نمونه‌هایی از چنین افرادی را می‌توان در گزارش «نفوس ارض اقدس» (سرشماری مشهد در سال ۱۲۵۴ خورشیدی و به همت زین‌العابدین میرزای قاجار) مشاهده کرد. تردیدی نمی‌توان داشت که چشم‌پزشکی نوین، همراه با نخستین طب‌بای آگاه به دانش جدید، مانند خاندان «سالاری» در نیمه دوم دوره قاجار درمشهدگسترش یافت. می‌دانیم که این پزشکان، هرچند تخصصی در رشته چشم‌پزشکی نداشتند، اما توانایی درمان امراض چشمی برخوردار بودند و می‌توانستند با استفاده از فنون جدید، برخی بیماری‌ها را درمان کنند.

با این حال، تأسیس مطب تخصصی چشم‌پزشکی در مشهد، تا مدت‌ها اتفاق نیفتاد. قدیمی‌ترین گزارش عمومی و رسانه‌ای در مورد تأسیس چنین مرکزی مربوط به روزنامه «ادب»، به مدیریت میرزاصدق‌خان ادیب‌الممالک‌فراهانی است. این روزنامه در شماره نخست سال سوم خود (مورخ ۱۶ رمضان ۱۳۲۰ قمری / ۲۵ آذر ۱۲۸۱ خورشیدی)، زمانی که در کوچه مدرسه «دودر» (جایی در غرب حرم رضوی) منتشر می‌شد، گزارشی را درباره افتتاح یک مطب

مرضیه ترابی | چشم‌پزشکی یکی از تخصص‌های بسیار ظریف در فن طبابت است که به دلیل حساسیت بالای عضو مورد معالجه، پرداختن به آن توانمندی فوق‌العاده‌ای نیاز دارد. آن‌قدر که از قرن‌ها پیش، تخصص چشم‌پزشکی به عنوان گرایشی مستقل در طب مورد توجه قرار گرفت و «کحالان، به عنوان چشم‌پزشکان سنتی، نسبت به طبیبان، تمایز پیدا کردند. آن‌ها با تکیه بر دستاوردهای پزشکان نامداری همچون رازی و ابن سینا، اقدام به درمان بیماری‌های چشم می‌کردند. با این حال، فناوری‌های چشم‌پزشکی به شدت محدود بود و به درمان با موادی همچون شرمه، توتیا و گاه ترکیبات داروهای گیاهی در قالب قطره و ضماد خلاصه می‌شد و در موارد استثنایی، مانند درمان «آب مروارید»، روش‌های جراحی سنتی مانند «میل کشیدن» مورد استفاده قرار می‌گرفت. هر چند که به گفته «سیریل الگود»، در «تاریخ پزشکی ایران»، چنین جراحی‌هایی معمولا خوش‌فرجام نبود و در اغلب موارد به نابینایی افراد منجر می‌شد. از سوی دیگر، دستمزد کحالان مانند پزشکان نبود و آن‌ها ناچار بودند به مبلغی بسیار کمتر از آنچه اطبا دریافت می‌کردند، رضایت دهند. این رویه باعث می‌شد آن‌ها کمتر به تغییر روش‌های درمانی روی خوش نشان دهند. به همین دلیل، نوآوری‌های پزشکی کمتر سمت و سوی «چشم‌پزشکی» داشت و بیماری‌هایی مانند «تراخم» و «التهاب ملتحمه» و از این دست، بخش مهمی از جمعیت ایران، به ویژه کودکان و افراد سالمند را که بنیه بدنی خوبی نداشتند، آزار می‌داد و گاه در برخی لایه‌های پایین جامعه، پدید می‌گرد. «ویلم فلور»، در کتاب «سلامت مردم ایران عصر قاجار»، به مواردی از شیوع چنین بیماری‌هایی اشاره می‌کند که دردرس‌های زیادی را برای خانواده‌های و جود می‌آورد و گاه باعث نابینایی و از کارافتادگی افراد و وخامت شرایط اقتصادی‌شان می‌شد. با وجود این شواهد تاریخی، کحالانی هم بودند که شهرت فراگیر پیدا می‌کردند و تبحرشان در این فن که حاصل انتقال دانش به صورت «سینه به سینه» بود، در بین مردم مشهور بود و حتی تحسین طب‌بای اروپایی، مانند «یاکوب ادوارد یولاک» را برمی‌انگیخت. این کحالان با استفاده از همان دانش محدود، درمان‌های مؤثری برای بیماری‌های چشمی ارائه می‌دادند. این سطرها را بگذارید کنار این توضیح که روزنامه ادب نخستین جریده است که می‌توان در آن خبری از چشم‌پزشکی نوین را دید.



محدوده مطب حسن بیک دکتر روی نقشه قاجاری الدمج

چشم‌پزشکی نوین در مشهد منتشر کرد که به احتمال قدیمی‌ترین نشانه موجود رسانه‌ای در این زمینه باشد. خبر ادیب‌الممالک که بیشتر به یک «ریورتاژ» شبیه است، تیتَر جالبی دارد، «ضریانرا مژده‌یاد»؛ «ضریر» در زبان فارسی به معنای نابینا و کم‌بیناست. اجازه بدهید با هم متن این آگهی فوق‌العاده جالب را مرور و بعد، به اتفاق برخی جزئیات را بررسی کنیم؛ «ضریانرا مژده‌یاد / مقرب‌الحضرة العلیّه حسن‌بیک دوکتور (دکتر) که تقریباً از سی سال



تصویر روزنامه ادب از خبر اولین چشم‌پزشکی تخصصی مشهد

صادر شده‌است همه را دیده و شنیده و وجود محترم این شخص عزیز را در خراسان بی‌نهایت مغتنم دانسته و صریحاً اعلان می‌نماییم که هم‌وطنان بدانند و آگاه شوند بی‌مبالغه و اغراق این شخص در مملک ایران اول کخاله‌است و در تجاویف (حفره‌ها) و خلل و فرج چشم «اهدی من دعیص الرمل» (کنایه از غلامی توانا و بسیار آگاه به هر چیز) و «اول من القطا» (ضرب‌المثل عربی و کنایه از جلوتر بودن نسبت به دیگران است) می‌باشد و چشمی را که او نتواند معالجه کند غیر از حضرت مسیح که «ابره‌الاکمه و الابرص» فرمود (کوری و برص را شفا داد) احدی نمی‌تواند معالجه نمود. منزلش در پشت مسجد گوهرشاد خانه مرحوم میروم حاجی میرزا ابراهیم شریعتمدار سبزواری طاب‌نراه است.»

- «حسن‌بیک دوکتور» کیست؟

هم‌اکنون، اطلاعی درباره «حسن بیک دوکتور» نداریم و آنچه می‌دانیم محدود به گزارش مختصر ادیب‌الممالک است. به احتمال حسن بیک، ایرانی نیست و باید او را از اتباع دولت عثمانی بدانیم که طبق گزارش، مدت ۳۰ سال به چشم‌پزشکی در اسلامبول اشتغال داشته و شهرت زیادی به هم زده‌است.

البته شهرتی که از آن صحبت می‌کنیم، صرفاً در میان ایرانیان مقیم عثمانی بوده‌است. نباید تردید کرد که اگر حسن بیک در ولایت خودش شهرتی فراگیر داشت، خانه و زندگی‌اش را در اسلامبول رها نمی‌کرد تا به شرق ایران – و نه پایتخت کشور – کوچ کند و به طبابت بپردازد. با این حال، بگذارید خوش بین باشیم و حضور او را در مشهد، چنان‌که ادیب‌الممالک می‌گوید، به فال نیک بگیریم. اینکه آیا مطب چشم‌پزشکی حسن بیک، قدیمی‌ترین مطب چشم‌پزشکی نوین در مشهد باشد، محتمل است، اما تا انجام بررسی‌های دقیق‌تر نمی‌توان عیار قطعیت آن را تعیین کرد. براساس گزارش، این چشم‌پزشک، آموزش خود را در اروپا گذرانده و مدرک خود را هم از آنجا دریافت کرده‌است. با توجه به طبابت ۳۰ ساله حسن بیک در اسلامبول، باید سن وی، دست‌کم، بیش از ۵۵ سال بوده باشد. سخن ادیب‌الممالک درباره توانمندی و حاذق بودن حسن بیک را باید بیشتر حمل بر تبلیغ رسانه‌ای کرد. زیرا در همان زمان، چشم‌پزشکان سرآمدی در تهران و دیگر نقاط ایران حضور داشتند که به دلیل فعالیت طولانی در کشور ما، از بیماری‌های بومی‌روشن‌های درمانی‌ان‌ها اطلاعات بیشتری در اختیار داشتند. با وجود این، ورود حسن بیک به مشهد در آذرماه سال ۱۲۸۱ خورشیدی، فصل نوینی در توسعه طبابت تخصصی این دیار بود و مسیر را برای ایجاد مراکز تخصصی درمان در شهر مشهد گشود.

کشف جدید باستان‌شناسان در اسپانیا

کشف سردیس‌هایی از تمدن گم‌شده تارتسوس



سال ۲۰۲۲میلادی، این باور را جوامع عملی به صورت گسترده رد کردند.

گویا تارتسوس یک تمدن منحصربه‌فرد در جنوب اسپانیا بوده است که برخی افراد آن را از نظر ارزش فرهنگی حتی با مصر باستان مقایسه می‌کنند. تمدن تارتسوس از قرن هشتم تا چهارم پیش از میلاد در مناطق جنوبی اسپانیا حضور داشته است. شواهد نشان می‌دهند که آن‌ها خدایان خود را در قالب گیاهان و جانوران مختلف تجسم می‌کردند. درواقع آن‌ها هیچ‌وقت تصویرانسان را به‌عنوان نمادی از خدایان، نمی‌پرستیدند و برای مجسمه آن قربانی نمی‌کردند.

گروه تاریخ و هویت| باستان‌شناسان از کشف سردیس‌های تقریباً سالم از تمدن گم‌شده تارتسوس هیجان‌زده شدند. باستان‌شناسان اخیراً در اسپانیا، پنج سردیس باستانی از انسان را کشف کرده‌اند که به‌تمدن گم‌شده تارتسوس تعلق دارند. تارتسوس یک تمدن بسیار قدیمی است که برخی‌ها آن را همان آتلانتیس افسانه‌ای می‌پندارند. حالا مجسمه‌های انسانی مردم تارتسوس پس از ۲هزارو۶۰۰سال کشف شده است. برخی تاریخ‌دانان همچون ارسطو، فیلسوف بزرگ یونانی، بر این باور بودند که تارتسوس همان شهر افسانه‌ای آتلانتیس است، هرچند در

از دل تاریخ

اخبار

قدیمی

۲۰سال پیش یک خبرنگار بلژیکی بدون اینکه پولی داشته‌باشد، دور دنیا را گشت

سفر با خبرنگریسی!

ترابی| حتی اگر کتاب‌خوان نباشیم، کم‌وبیش با آثار «ژول ورن»، نویسنده و نمایش‌نامه‌نویس مشهور فرانسوی قرن نوزدهم، آشنا هستیم؛ آثاری که بیشتر در قالب داستان‌های ماجراجویانه و علمی‌تخیلی نوشته شده‌اند؛ چراکه بسیاری از ما با یکی از همین داستان‌ها، یعنی «سفر به دور دنیا در ۸۰ روز»، که در دهه ۶۰ و ۷۰ به شکل کارتون از تلویزیون پخش می‌شد، آشنا شده‌ایم.

این سطر را بگذارید کنار این توضیح که در اوایل قرن گذشته، به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم، ایران شاهد ورود بسیاری از گردشگران خارجی بود. در همین دوره، ایرانیان زیادی نیز دیدن جهان خارج از مرزهای ایران را آغاز کردند؛ از جمله «حسین بمبئی‌چی»، پدر ورزش خراسان، که در اوایل دهه ۳۰ با هدف آشنایی با رشته‌های ورزشی جدید، تصمیم گرفت با یک موتورسیکلت، سفر به چند کشور اروپایی را تجربه کند، یا برادران مشهدی «امیدوار»، که در همین دوران، سفرشان به دور دنیا را آغاز کردند. در تورق مطبوعات قدیمی، به خبر جالبی برمی‌خوریم؛ خبر یک روزنامه‌نگار بلژیکی که همراه همسرش سفر به دور دنیا را آغاز کرده و در مسیر سفرشان، وقتی به مشهد رسیده‌اند، خبرنگریس روزنامه «خراسان» با آنان گفت‌وگویی کوتاه انجام داده که در تابستان سال ۱۳۳۵ چاپ و منتشر شده است. این سفر یک ویژگی خاص دارد؛ خبرنگریس توضیح داده است که آقای «ژیلبرت برتراند» به اتفاق همسر جوانش «آنژ، تصمیم گرفته‌اند بدون آنکه پولی همراه داشته باشند، دور دنیا سفر کنند.

این مسافرت همچنین بر پایه یک شرط‌بندی شکل گرفته است. ماجرا از این قرار است که روزی آقای برتراند با سردبیر یک روزنامه کوچک به نام «موستیک پشه» در دفتر روزنامه مشغول صحبت بوده‌اند، جریان گفت‌وگو به سفر دور دنیا می‌کشد و او به سردبیر می‌گوید پیمودن دور دنیا چندان هم مشکل نیست. خبرنگریس روزنامه خراسان می‌نویسد: «بالاخره کار به جایی می‌کشد که نامبرده تصمیم می‌گیرد این موضوع را از حرف به مرحله عمل درآورد و بالاخره در این مورد با همسرش که یک بانوی آلمانی و با شهامت است، صحبت کرده و پس از اینکه اثنائیه مختصری با خود برمی‌دارند از شهر« شارلوا» محل سکونت خود حرکت می‌کنند و به ترتیب از کشورهای لوکزامبورگ، فرانسه، سوئیس، اتریش ایتالیا، یونان و ترکیه عبور نموده و به ایران رسیده‌اند.»

این مسافرت از اوائل فوریه شروع شده و سرمایه این نفر به پول ایران آن روزگار تنها صد تومان است، «نامبردگان از راه مقالاتی که می‌نویسند و به روزنامه‌ها می‌فروشند اعاشه (کسب معیشت) نموده.»

راستی، درباره سفر به شیوه «هیچ‌هایک» چیزی شنیده‌اید؟ در علم گردشگری، هیچ‌هایک سبکی از سفر است که امروزه بسیار متداول شده است. در این شیوه، گردشگر تنها با یک کوله‌بشتی حاوی وسایل ضروری، کنار جاده می‌ایستد و تلاش می‌کند با هر وسیله نقلیه عبوری که پیش پایش ترمز می‌کند، بخشی از مسیر را بدون پرداخت کرایه طی کند. در این نوع سفر، گردشگر تنها در قسمتی از راه، هم‌سفر راننده است. این نکته را از آن رو نوشتیم که بگوییم آقا و خانم «برتراند» ۷۰ سال پیش به همین شیوه سفر کرده‌اند، چراکه در خبر آمده است، «آن‌ها در کنار جاده‌ها می‌ایستند، مجانی سوار می‌شوند و به راه خود ادامه می‌دهند.»

این سفر با سرمایه اندک، البته برای آنان خالی از خطر نبوده است زیرا که، «در این مسافرت سختی‌های زیادی را این زن و شوهر جوان تحمل کرده‌اند ولی بزرگ‌ترین مصیبتی که به آن‌ها رو آورده در شهر «باری» کنار دریای آدریاتیک تالیا است که ۴۰۰ لیره پول اندوخته ایشان را که از راه فروش مقالات تحصیل کرده‌اند جیب‌برها به سرقت برده و برای غذای ظهر و شبشان مستأصل می‌مانند. نام‌برده می‌گوید که در این شهر(شهر باری) جیب‌بری یک امر عادی است و موقعی که ما از گم شدن پول‌ها اظهار نگرانی می‌کردیم، همه به ما می‌خندیدند و تمسخر می‌نمودند.»

خبرنویس خراسان در پایان هم می‌نویسد: «آقای ژیلبرت برتراند و مادام آنژ عقیده دارند که ایرانی‌ها مهمان‌نوازترین مردم جهان می‌باشند و می‌گویند ادب و نزاکت مردم ایران مخصوصاً توده‌های فقیر ما را تحت‌تاثیر قرار داده‌است و امیدواریم بار دیگر بتوانیم از این کشور کهنسال و باستانی دیدن نماییم. منظور از این مسافرت آشنا شدن با آثار باستانی کشورها و آداب و سنن مردم دنیا و فرهنگ کشورهای مختلف است و ایشان معتقدند که تجربیات فراوانی از این مسافرت برای بقیه عمر خود اندوخته‌اند. آقای برتراند و بانو به کشورهای شرقی اروپا و کشور شوروی نرفته‌اند و در نظر دارند پس از پایان این سفر به این کشورها نیز سری بزنند.»

تاریخ

نگار

کشف بودا در یک پروژه آبی



گروه تاریخ و هویت| حدود دو دهه پیش در شهر فوژو در جنوب شرقی چین، وقتی کارگران در حال کار بر روی پروژه ساخت یک نیروگاه آبی بودند، به ناگهان سطح آب مخزن سد هونگمن کاهش یافت و کارگران با یک کشف عجیب روبه‌رو شدند؛ سروشانه‌های مجسمه بودا با ارتفاع ۱۲ فوت (هر فوت ۳۰ و نیم سانتی‌متر است) قابل مشاهده بود. اسناد تاریخی می‌گویند این مجسمه قبل از اینکه منطقه فوژو در سال ۱۹۵۰میلادی با ساخت سدی بزرگ زیرآب برود، روی صخره‌ای در کنار رودخانه قرار داشته است. پس از این، باستان‌شناسان با بررسی این مکان، شواهدی از معبدی در زیر آب پیدا کردند. هم‌اکنون محققان با دقت در حال ثبت اکتشافات سلسله‌مینگ (۱۳۶۸–۱۶۴۴) از این مکان هستند.